

## بازپژوهی تاریخی گزارش ازدواج خلیفه دوم با دختر امیرمؤمنان علیه السلام

صهیب تقوی<sup>۱</sup>

### چکیده

ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم از مباحث پرچالش و اختلافی است که پذیرش یا رد آن، آثار مهمی مانند تحلیل روابط امیرمؤمنان علیه السلام با خلیفه دوم را به دنبال دارد؛ اهمیت مسئله مورد بحث و نیاز به دیدگاهی تفصیلی و تحلیلی مستند بر همه گزارش‌های موافق و مخالف، پژوهشی جامع را ضروری می‌نماید؛ هدف این مقاله بررسی و نقد گزارش‌های تاریخی و نظرات موافقان و مخالفان این موضوع و ارائه دیدگاهی مفصل و مستند است؛ نوشتار حاضر با بررسی منابع روایی، فقهی و تاریخی فریقین، توانسته اصلی‌ترین دیدگاه‌ها را پیرامون مسئله ازدواج خلیفه دوم با دختر امیرمؤمنان علیه السلام جمع‌آوری، دسته‌بندی و مورد تحلیل قرار دهد؛ این پژوهش در دو بخش، گزارش ازدواج در منابع فریقین و دیدگاه اندیشمندان فریقین، تنظیم شده است.

واژگان کلیدی: ام‌کلثوم، ازدواج اجباری، کفویت، تاریخ اسلام، علوم و معارف حدیث

---

۱. دانش آموخته سطح سه مرکز تخصصی حدیث حوزه؛ (soheibtaghavi@yahoo.com).

## مقدمه

ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم دختر امام علی علیه السلام از موارد اختلافی میان اندیشمندان اهل سنت و شیعه است. اهل سنت با اعتقاد به این ازدواج، وجود اختلاف بین امام علی علیه السلام و خلفاء را نفی کرده و موضوع غصب خلافت و شهادت حضرت زهرا علیها السلام را ساختگی می‌دانند؛ از این رو با توجه به نقش اساسی آن، در مباحث کلامی و تاریخی، پژوهشی مستقل ضرورت دارد؛ تاکنون آثار متعددی در اطراف موضوع، نگاشته شده<sup>۱</sup> که ویژگی مقاله حاضر تجمیع، دسته‌بندی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف و رسیدن به نظریه‌ای تفصیلی در قالب ساختاری جدید است؛ به‌راستی دیدگاه دانشمندان اسلامی درباره ازدواج عمر با ام‌کلثوم به ویژه با توجه به گزارش‌های متعارض چیست؟ پرسشی است که تحقیق حاضر در صدد پاسخ به آن است. نگارش مقاله حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و نرم‌افزارهای متعدد علوم اسلامی و گردآوری فیش‌های تحقیقاتی متعدد بوده است که حاصل آن در دو بخش به سامان رسیده است؛ ابتدا گزارش ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم در منابع فریقین و سپس بیان دیدگاه اندیشمندان فریقین در این باره پرداخته می‌شود.

## الف. گزارش ازدواج در منابع فریقین

منابع متعدد شیعه و سنی زوایای مختلف ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم را گزارش کرده‌اند؛ بخش حاضر به بررسی و تحلیل نقل‌های مختلف در این مسئله پرداخته است.

### ۱. گزارش ازدواج در منابع اهل سنت

گزارش ازدواج عمر با ام‌کلثوم به صورت گسترده در منابع مختلف اهل سنت ذکر شده است که کهن‌ترین و مهم‌ترین این گزارش‌ها بررسی می‌شود.

#### ۱-۱. گزارش ابن اسحاق (م ۱۵۱ ق)

ابن اسحاق نویسنده اولین کتاب سیره نسبتاً جامع و منظم است که نگاشته‌اش به‌عنوان نخستین کار اصیل در زمینه سیره شناخته می‌شود؛ درباره وثاقت یا موثق نبودن او، در کتب رجالی نقل‌های گوناگون و قضاوت‌های مختلفی بیان شده است؛<sup>۲</sup> اما در سند

۱. نگاشته‌هایی مانند: تزویج ام‌کلثوم لعمر (سید مرتضی علم الهدی ۴۳۶ ق)؛ المسائل العکبرية و المسائل السروية و المسئلة الموضحة فی اسباب انکاح امیرالمؤمنین ابنته (شیخ مفید ۴۱۳ ق)؛ رساله فی تزویج عمر لام‌کلثوم بنت علی (سلیمان بن عبدالله ماحوزی ۱۱۲۱ ق)؛ قول محتوم فی عقد ام‌کلثوم (سید کرامت علی هندی)؛ کنز مکتوم فی حل عقد ام‌کلثوم (سید علی اظهار هندی کهنوی ۱۳۵۲ ق)؛ تزویج ام‌کلثوم بنت امیرالمؤمنین علیه السلام و انکار وقوعه (شیخ محمدجواد بلاغی)؛ افحام الاعداء والخصوم فی نفی عقد ام‌کلثوم (سید ناصر حسین بن امیر حامد حسین)؛ ازدواج ام‌کلثوم با عمر (سید علی میلانی، معاصر) زواج ام‌کلثوم (سید علی شهرستانی، معاصر) و... .

۲. رک: تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۷۳ و رک: الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۶، ص ۱۰۳.

گزارشی که ابن اسحاق از ازدواج ذکر می‌کند، احمد بن عبد الجبار و یونس بن بکیر وجود دارند که هر دو تضعیف شده‌اند؛ بنابراین، گرچه از کتاب ابن اسحاق به عنوان متن تاریخی می‌توان بهره برد، اما استفاده از آن در استنباط احکام فقهی و کلامی محل تأمل است. کهن‌ترین گزارش ازدواج مربوط به ابن اسحاق است که براساس آن، بعد از خواستگاری عمر، حضرت علی علیه السلام در جواب فرمود: «کوچک است؛ اما عمر گفت: کوچک نیست، تو نمی‌خواهی او را به من بدهی اگر راست می‌گویی او را پیش من بفرست تا او را ببینم» حضرت پارچه‌ای به ام‌کلثوم داد و او را نزد عمر فرستاد و فرمود: «برو به او بگو آیا این پارچه را می‌پسندی؟» عمر او را دید و گوشه چادرش را گرفت، ام‌کلثوم چادرش را کشید و گفت: «رها کن» عمر چادرش را رها کرد و گفت: «بسیار نجیب است، برو به پدرت بگو چنان که تو گفتی نیست» پس از آن، امام علیه السلام او را به ازدواج عمر در آورد.<sup>۲</sup>

ابن اسحاق در نقل دیگری آورده: حضرت علیه السلام در پاسخ عمر فرمود: «باید مشورت کنم» و پس از مشورت با پسرانش و موافقت آنان ام‌کلثوم را نزد عمر فرستاد.<sup>۳</sup>

این نکته قابل ذکر است که منابع تاریخی، زمان ازدواج را سال هفده قمری دانسته‌اند؛<sup>۴</sup> اگر ام‌کلثوم سال ششم هجری<sup>۵</sup> به دنیا آمده باشد، در تاریخ ازدواج باید سن او حدود ده یا یازده سال باشد و اگر سال هفتم یا نهم<sup>۶</sup> زاده شده سن او حدود ده یا نه سال است؛ در هر صورت باتوجه به آب و هوای گرم آنجا کوچک نیست؛ بر فرض صحت نقل ابن اسحاق، استدلال امام علیه السلام بر خردسالی او گویا به دلیل تمایل نداشتن آن حضرت به ازدواج بوده و سخن عمر در پاسخ امام علیه السلام که گفت: «تو نمی‌خواهی او را به من بدهی» بیانگر همین مسئله است.

## ۱-۲. گزارش ابن سعد بن منیع زهری (م ۲۳۰ ق)

ابن سعد از نظر رجالی مورد وثوق و اعتماد است؛<sup>۷</sup> برخی کتاب مفصل و کم نظیر الطبقات الکبری یا الطبقات الکبیر را تنها اثر وی ذکر کرده‌اند؛<sup>۸</sup> براساس گزارش ابن سعد، عمر در حالی با ام‌کلثوم دختر امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام، ازدواج کرد که هنوز بالغ نبود؛ زید و

۱. ر.ک: تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۴۷ و ج ۱۱، ص ۳۸۳.

۲. ر.ک: سیره ابن اسحاق (کتاب السیر و المغازی)، ج ۵، ص ۲۴۸-۲۴۹.

۳. ر.ک: همان.

۴. ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۹؛ تاریخ طبری ج ۳، ص ۱۶۸؛ الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۳۷.

۵. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۵۰۰.

۶. ر.ک: الایثار بمعرفه رواة الآثار ج ۱، ص ۲۱۱ و ۳۲۸.

۷. ر.ک: کتاب الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۸۸؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۶۶۵.

۸. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۶۶۴.

رقیه دختران ام‌کلثوم از عمر هستند؛ وی بعد از عمر با عون بن جعفر بن ابیطالب و سپس با محمد بن جعفر و بعد از او با عبدالله بن جعفر که همسرش حضرت زینب رضی الله عنها را ازدست داده بود، ازدواج کرد.<sup>۱</sup>

این گزارش با توجه به کشته شدن عون و محمد در جنگ شوشتر (سال ۱۶ یا ۱۷ قمری) پذیرفتنی نیست؛ زیرا، براساس آن، همسر دوم و سوم ام‌کلثوم قبل از همسر اول فوت کرده‌اند؛<sup>۲</sup> از طرف دیگر، ازدواج ام‌کلثوم با عبدالله جعفر با توجه به زنده بودن حضرت زینب تا پس از واقعه کربلا، ممکن نیست؛ زیرا در این صورت جمع بین دو خواهر می‌شود.

**۱-۳. گزارش طبری (م ۳۱۰ ق)**

طبری که علمای اهل سنت وی را از بزرگان و موثقان در نقل تاریخ می‌دانند،<sup>۳</sup> گزارش می‌کند:

عمر بن خطاب نخست ام‌کلثوم دختر ابوبکر را از عایشه خواستگاری کرد، عایشه مطلب را با خواهرش در میان گذاشت و او به دلیل سخت‌گیری عمر نسبت به زنان و همچنین زندگی سخت و خشنش نپذیرفت؛ سپس عایشه برای ردّ محترمانه درخواست عمر، از عمرو عاص کمک خواست؛ عمرو عاص به دیدن عمر رفت و گفت: «ام‌کلثوم نوجوان و کوچک است و با سرپرستی عایشه در رفاه بزرگ شده و تو سختگیر و خشن هستی، اگر در موردی با تو مخالفت کند و تو بر او سخت‌گیری و تنبیه کنی، در آن صورت با فرزندان ابوبکر رفتاری کرده‌ای که شایسته تو نیست» سپس عمرو عاص گفت: «من دختری بهتر از دختر ابوبکر به تو معرفی می‌کنم، آنگاه ام‌کلثوم دختر علی بن ابی‌طالب را معرفی کرد و گفت با او ازدواج کن که به لحاظ نسب بین رسول خدا و تو پیوند برقرار شود».<sup>۴</sup>

در این گزارش، اگر رفتار عمر با دختر خردسال ابوبکر موجب رنجش خاطر ابوبکر است و از این جهت ازدواج با او به صلاح نیست، بد رفتاری عمر با نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله، موجب رنجش خاطر آن حضرت شده و به طریق اولی نباید این ازدواج صورت بگیرد.

**۱-۴. گزارش حاکم، ابوعبدالله نیشابوری (م ۴۰۵ ق)**

حاکم نیشابوری در میان اهل سنت مورد احترام است؛ او را شیخ المحدثین و حافظ کبیر نامیده‌اند<sup>۵</sup> و در زمان خودش امام اهل حدیث بود؛<sup>۶</sup> کتاب المستدرک علی الصحیحین او

۱. ر.ک: الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۲ - ۴۶۳.

۲. ر.ک: الإصابة، ج ۴، ص ۱۶۹؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۴۷.

۳. ر.ک: تاریخ بغداد ج ۲ ص ۱۶۳؛ سیر اعلام النبلاء ج ۱۴، ص ۲۶۷؛ البداية و النهایة ج ۱۱ ص ۱۵۷.

۴. ر.ک: تاریخ طبری ج ۳ ص ۲۷۰.

۵. ر.ک: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۳۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۱۶۳.

۶. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۱۶۳.

یکی از کتاب‌های معتبر اهل سنت است.

حاکم به نقل از امام سجاد علیه السلام گزارش می‌کند: عمر بن خطاب از علی علیه السلام خواست که دخترش را به نکاح وی درآورد. علی علیه السلام فرمود: من او را برای فرزند برادرم، عبدالله بن جعفر گذاشته‌ام؛ عمر گفت: باید او را به نکاح من درآوری آنگاه علی علیه السلام ام‌کلثوم را به ازدواج او درآورد؛ سپس عمر نزد مهاجران آمد و گفت: «رفثونی فرفؤوه و قالوا بن یا امیر المؤمنین؟ قال باینة علی بن ابی طالب» به من تبریک بگوئید، پس به او تبریک گفته و پرسیدند، درباره چه کسی تبریک بگوئیم؟ عمر گفت: به خاطر ازدواج با دختر علی علیه السلام. من شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هر نسب و سببی روز قیامت منقطع است، مگر سبب و نسب من، از همین رو دوست دارم که بین من و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسب و سبب باشد.<sup>۱</sup>

لازمه پذیرش چنین روایتی، تبعیت از سنت‌های جاهلی است؛ تبریک گفتن با جمله «رفثونی» یا «بالرفاء والبنین» در زمان جاهلیت مرسوم بود؛ پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان، چنین عملی را نهی کردند؛ چنان‌که نووی تصریح می‌کند: «تبریک گفتن جاهلیت به این صورت بود که می‌گفتند: "بالرفاء والبنین"، سپس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی کرد»؛<sup>۲</sup> همچنین عینی، یکی دیگر از شارحان صحیح بخاری در کتاب عمدة القاری می‌نویسد: «"بارک الله لك" سخنی است که گفتن "بالرفاء والبنین" را رد می‌کند؛ چراکه این جمله از سخنان عصر جاهلیت بود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم گفتن این کلمه را دوست نداشت و دلیل نهی پیامبر مخالفت با سنن جاهلی بود».<sup>۳</sup>

#### ۱-۵. گزارش ابوبکر بیهقی (م ۴۵۸ ق)

بیهقی صاحب نوشته‌های متعدد است، وی را با واژه‌هایی مانند علامه، شیخ الاسلام و فقیه توثیق می‌کنند؛<sup>۴</sup> بیهقی با سند مرسل از علی بن الحسین علیه السلام نقل می‌کند: «عمر بعد از انجام ازدواج، از مهاجران خواست به او تبریک بگویند، به دلیل روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هر سبب و نسبی غیر از سبب و نسب من در روز قیامت منقطع می‌شود»؛<sup>۵</sup> وی با سندهای دیگری نیز این قضیه را نقل کرده که همه آن‌ها ضعیف است.<sup>۶</sup>

۱. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۲.

۲. المجموع، ج ۱۶، ص ۲۰۵.

۳. عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۲۰، ص ۱۴۶.

۴. رک: سیر اعلام النبلاء ج ۲۶، ص ۹۱.

۵. سنن الکبری، ج ۷، ص ۶۳.

۶. همان، ص ۱۰۲.

ابن سعد همین حدیث را در الطبقات الکبری به صورت مرسل نقل می‌کند؛ ابن حجر نیز در کتاب «الاصابة فی تمییز الصحابه» با سندی که در آن «عبدالرحمن بن زید بن اسلم» و «عبداللہ بن وہب» است این روایت را نقل می‌کند، در حالی که از نظر عالمان اهل سنت این دو نفر تضعیف شده‌اند.<sup>۱</sup>

ابن حجر این حدیث را با سند دیگری از عطاء خراسانی نقل می‌کند؛ در حالی که ابن عدی و بخاری او را از جمله ضعیفان شمرده‌اند؛<sup>۲</sup> خطیب بغدادی نیز آن را با سند احمد بن حسین صوفی، عقبه بن عامر جهنی و ابراهیم بن مهران مروزی ذکر می‌کند؛ اولی تصریح به ضعف شده، دومی از لشکریان و امیران معاویه بوده و سومی نیز مهمل است؛<sup>۳</sup> در نتیجه می‌توان گفت که هیچ یک از روایات، سند معتبری ندارد؛ افزون بر آن:

۱. بخاری و مسلم از ذکر این احادیث اعراض کرده و آن را در دو کتاب معروف و مهم خود نقل نکرده‌اند.<sup>۴</sup>

۲. این روایات در دیگر کتاب‌های معروف اهل سنت، مانند مسند احمد بن حنبل نیز نیامده است؛ بنابراین، همه نویسندگان کتاب‌های شش‌گانه اهل سنت بر نقل نکردن آن، اتفاق نظر داشته‌اند.<sup>۵</sup>

به نظر می‌رسد آنچه در مورد این ماجرا در منابع اهل سنت آمده از لحاظ سندی ضعیف بوده و به علت اختلاف در متن آنها از لحاظ متنی قابل اعتماد نباشند؛ حتی بر فرض پذیرش ازدواج، دلیلی بر روابط حسنه، بین امام علی علیه السلام و عمر بن خطاب نیست؛ نهایت ازدواج ام‌کلثوم با عمر به دلیل ترساندن و سخت‌گیری بر بنی‌هاشم با اکراه بوده است.

**۲. گزارش ازدواج در منابع شیعه**

منابع شیعی در گزارش‌های متعددی این ازدواج را آورده‌اند؛ مهم‌ترین گزارش‌ها براساس تاریخ عبارتند از:

#### ۱-۱. گزارش کلینی (م ۳۲۹ ق)

کلینی از محمد بن ابی عمیر از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

هنگامی که عمر از ام‌کلثوم، نزد علی علیه السلام خواستگاری نمود، حضرت در پاسخ او فرمودند: او کم سن و سال است. عمر با عباس عموی علی علیه السلام ملاقات کرد و گفت: به خواستگاری دختر برادرزاده‌ات رفتیم؛ [ولی او پاسخ منفی به من داد

۱. ر.ک: الکامل فی الضعفاء، ج ۵، ص ۳۳۷.

۲. ر.ک: همان، ج ۷، ص ۶۹.

۳. ر.ک: ازدواج ام‌کلثوم با عمر، ص ۷۸.

۴. ر.ک: همان، ص ۵۸.

۵. ر.ک: همان.

و[ من را ردّ نمود. به خداوند سوگند! چاه زمزم را پُر می‌کنم و هیچ نشانه بزرگی و کرامت برای شما نیست، مگر آنکه آن را از بین خواهیم برد و هر آینه دو شاهد برای او اقامه کرده، به اّتهم سرقت دست راست او - علی علیه السلام - را قطع خواهیم نمود. پس عباس نزد علی علیه السلام آمد و او را [از تهدیدهای عمر] آگاه ساخت و از ایشان درخواست نمود تا امر [این ازدواج] را به او واگذار نماید. علی علیه السلام نیز مسئله ازدواج ام‌کلثوم را به عمومی خود عباس سپرد.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده «إِنَّ ذَلِكَ فَرَجٌ غُصْبِنَاهُ؛ آن ناموسی بود که از ما غصب شد».<sup>۲</sup>

نقل کلینی را برخی منابع اهل سنت تایید می‌کنند؛ از روایات آنان استفاده می‌شود که این ازدواج بعد از اجبار کردن عمر اتفاق افتاده و تهدید عمر نقش اساسی در آن داشته است.<sup>۳</sup> ابن سعد می‌نویسد: «وقتی امام علی علیه السلام، خردسال بودن دخترش را دلیل بر رد خواستگاری عمر عنوان کرد، عمر گفت: به خدا سوگند! عذر تو این نیست؛ ولی می‌دانم که هدف تو چیست!».<sup>۴</sup>

## ۲-۲. گزارش ابوالقاسم کوفی (م ۳۵۲ ق)

شخصیت و کتاب ابوالقاسم کوفی مورد اختلاف علمای شیعه قرار گرفته و از اعتبار کتاب کاسته است.<sup>۵</sup>

ابوالقاسم کوفی در کتاب «الاستغاثة» از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: از امام صادق علیه السلام در مورد ازدواج ام‌کلثوم سوال کردم؛ فرمودند: «آن ناموسی بود که از ما غصب شد» و در ادامه روایتی که در آن تهدید و اجبار عمر نقش داشته تا وکالت ازدواج به عباس سپرده شود را به عنوان موید می‌آورد.<sup>۶</sup>

اما سند روایت مزبور، به دلیل واقفی بودن احمد بن فضل<sup>۷</sup> و فساد مذهب جعفر بن محمد بن مالک فزاری<sup>۸</sup> ضعیف شمرده شده است؛ بنابراین، روایتی که ابوالقاسم کوفی نقل کرده همان روایات ذکر شده در کتاب الکافی است که با سند دیگر بیان شده و می‌تواند مؤید روایت کلینی باشد.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۳۴۶.

۳. رک: المنتظم، ج ۴، ص ۲۳۸.

۴. الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۴.

۵. الرجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۸۲ «کذاب غال»؛ رجال النجاشی، ص ۲۶۶ «غلا فی آخر امره».

۶. رک: الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ص ۱۲۵.

۷. رجال الطوسی، ص ۳۳۲ «واقفی»؛ رجال الکشی، ص ۵۵۶ «واقفی».

۸. رجال النجاشی، ص ۱۲۲ «کان ضعیفا فی الحدیث»؛ الرجال ابن الغضائری، ج ۱، ص ۴۸ «کذاب متروک الحدیث».

## ۳-۲. گزارش شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)

شیخ طوسی به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «ام‌کلثوم دختر علی علیه السلام و فرزندش زیدبن عمر بن خطاب در یک ساعت از دنیا رفتند»<sup>۱</sup> همچنین از امام صادق علیه السلام روایت کرده: علی علیه السلام دختر خود ام‌کلثوم را با مرگ شوهرش عمر بن خطاب، در حالی که دختر در عده بود، به خانه خود منتقل کرد؛ طبق این گزارش گرچه اصل ازدواج اثبات می‌شود؛ اما می‌توان نوعی نارضایتی امیرمؤمنان علیه السلام، اکراه و اجبار را از آن برداشت کرد؛ زیرا، برگرداندن دختر قبل از تمام شدن عده، امری غیر عادی است؛ بنابراین، طبق روایات شیعه، عمر بعد از تهدید امام با ام‌کلثوم ازدواج کرد؛ البته در روایات شیعه تصریح نشده که مراد ام‌کلثوم دختر فاطمه زهرا علیه السلام باشد.

### ب) دیدگاه اندیشمندان فریقین درباره ازدواج عمر با ام‌کلثوم

مجموع گزارش‌های موجود در رابطه با ازدواج عمر و ام‌کلثوم در دو دسته جمع‌بندی می‌شود؛ برخی دانشمندان اصل ماجرا را پذیرفته و عده‌ای هم با آن مخالفت نموده‌اند؛ این بخش به بررسی و تحلیل آرای موافقان و مخالفان پرداخته است.

#### ۱. دیدگاه موافقان ازدواج

عده‌ای از علمای بزرگ شیعه<sup>۲</sup> مانند قاضی نعمان، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علوی نسابه، طبرسی و تعدادی از علمای بزرگ عامه<sup>۳</sup> مانند محمد بن سعد بن منیع زهری، ابوبشر دولابی، حاکم نیشابوری، ابوبکر بیهقی، خطیب بغدادی، ابن عبدالبر قزطبی، ابن اثیر جزری، ابن حجر عسقلانی و... این ازدواج را پذیرفته‌اند؛ نعمان مغربی به استناد این روایات حکم می‌کند: بهتر است دختر به موافق داده شود و در صورت ضرورت، ازدواج با اهل خلاف از مسلمانان اشکالی ندارد.<sup>۴</sup>

شیخ مفید نیز در تحلیل چرایی وقوع چنین ازدواجی استدلال می‌کند: ازدواج بر اساس ظاهر اسلام بوده و ایمان شرط نیست؛ عمر از اسلام خارج نشده و ازدواج با چنین افرادی جایز است و وقوع ازدواج را می‌پذیرد.<sup>۵</sup>

۱. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۳۶۳.

۲. ر.ک: دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ المسائل العکبریه، ص ۶۰-۶۲؛ الشافی فی الامامة، ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۶۱؛ المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۷؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۹.

۳. ر.ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳۸؛ الجرایح، ص ۱۵۷ و ۱۶۵؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۳؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۱۰۱؛ تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۸۰؛ الإستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۹؛ أسد الغابه، ج ۷، ص ۳۷۷؛ الإصابه، ج ۸، ص ۴۶۴.

۴. ر.ک: دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۰.

۵. المسائل العکبریه، ص ۶۰-۶۲.



سید مرتضی می‌گوید: ازدواج ام‌کلثوم و انتقال او به خانه عمر و آوردن فرزندان معلوم و مشهور است؛<sup>۱</sup> علوی نسابه نقل می‌کند: آنچه از روایات یاد شده مورد اعتماد ماست آنکه عباس بن عبدالمطلب او را با رضایت پدرش به ازدواج عمر در آورد.<sup>۲</sup>

دلایل موافقان در سه دسته قابل جمع است:

#### ۱.۱. مستندات حدیثی

برخی از احادیثی که به‌عنوان قرینه به آن تمسک می‌شود شامل موارد زیر است.

- بنابر نقل ابن ابی‌الحدید، عمر بن خطاب قاصدی را نزد پادشاه روم فرستاده بود؛ ام‌کلثوم، همسر او، دو شیشه عطر به قاصد داد تا به همسر قیصر هدیه دهد.<sup>۳</sup>
- در منابع روایی اهل سنت آمده که عمر در دوران حکومت خود پارچه‌هایی را میان زنان مدینه تقسیم کرد برخی از حاضران پیشنهاد کردند که مقداری از آن پارچه را به همسرش ام‌کلثوم بدهد.<sup>۴</sup>

- وقتی ساریه بن زینب خبر فتح مسلمانان را برای عمر آورد، خلیفه او را به خوردن غذا دعوت کرد و چون ام‌کلثوم غذا آورد، عمر از ام‌کلثوم خواست که بر سر سفره حاضر شود؛ ام‌کلثوم به دلیل اینکه لباس مناسب نداشت بر سر سفره حاضر نشد.<sup>۵</sup>

#### ۲.۱. مستندات فقهی

منابع فقهی فریقین در مواردی از این ازدواج جهت استناد فتوای خود بهره برده‌اند که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

- شماری از فقهای فریقین در بحث کفویت زوجین تساوی آن دو را در نسب شرط ندانسته و تنها ایمان به معنای عام آن را کافی دانسته‌اند و فتوای خود را به ازدواج‌های رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام در تزویج ام‌کلثوم به عمر مستند کرده‌اند.<sup>۶</sup>
- برخی محدثان و فقیهان اهل سنت در مبحث ولایت پدر و جد در شوهردادن دختران خردسال و جواز نکاح صغیره، به این عمل امام علی علیه السلام استناد کرده‌اند.<sup>۷</sup>
- برخی منابع در جواز زیاد بودن مهریه به صدق تعیین شده از سوی عمر برای ام‌کلثوم استناد کرده‌اند.<sup>۸</sup>

۱. ر.ک: رسائل الشریف المرتضی، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲. ر.ک: المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۷.

۳. ر.ک: شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، ص ۳۵۱.

۴. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۲۱-۲۲۲ و ج ۵، ص ۳۶.

۵. ر.ک: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۵۵ و تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۰، ص ۲۷.

۶. ر.ک: مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۰۹.

۷. ر.ک: المغنی مقدسی، ج ۷، ص ۳۸ و ۳۸۰.

۸. ر.ک: سنن الکبری البیهقی، ج ۷، ص ۲۳۳؛ المغنی، ج ۸، ص ۵.

• در منابع فقهی فریقین<sup>۱</sup> روایتی آمده که امام علی علیه السلام هفت روز بعد از مرگ عمر، ام‌کلثوم را از خانه عمر به خانه خود منتقل کرد؛ فقیهان فریقین با استناد به این روایت به جواز انتقال زن شوهر مرده از خانه شوهر به خانه خود یا پدرش حکم کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### ۳.۱. مستندات تاریخی

گزارش‌های تاریخی بسیاری در مورد ازدواج ام‌کلثوم با عمر وجود دارد؛ مهم‌ترین مستندات عبارتند از:

• در خبری آمده که عمر شبی در گشت و گذار خود به بیرون مدینه رفت و در آنجا به زنی که در حال وضع حمل بود برخورد؛ عمر به اتفاق همسرش ام‌کلثوم بدان جا رفت و ام‌کلثوم در وضع حمل، به آن زن کمک کرد.<sup>۳</sup>

• نقل شده که پس از ضربت خوردن امام علی علیه السلام، ام‌کلثوم با زبان درد دل می‌گفت: شوهرم عمر هنگام نماز صبح کشته شد و پدرم نیز هنگام نماز صبح کشته شد.<sup>۴</sup>

• منابع نسب‌شناسی و تاریخی، از این ازدواج یک پسر به نام زید و یک دختر به نام رقیه گزارش کرده‌اند که هر دو به سن ازدواج رسیده و ازدواج کرده‌اند.<sup>۵</sup>

• برخی از منابع گزارش کرده‌اند که ام‌کلثوم بنت علی علیه السلام و همسر عمر بن خطاب نزد پدرش علی علیه السلام، عبدالله بن عمر را، برای دینی که به عهده داشت یا به دلیل بیعت نکردن با امام و برای پیشگیری از اقدامی علیه آن حضرت، کفالت کرد.<sup>۶</sup> مجموع قرینه‌های حدیثی، فقهی و تاریخی، احتمال وقوع این ازدواج را تقویت می‌کند.

### ۲. دیدگاه مخالفان ازدواج

برخی دانشمندان شیعه و سنی منکر وجود چنین ازدواجی شده و نظرات مختلفی نیز در این زمینه ارائه داده‌اند؛ برخی مانند یحیی بن شرف نووی و آیت الله مرعشی نجفی معتقدند آن ام‌کلثوم مورد ادعا، دختر ابوبکر بوده که بخشی از حیات خود را در خانه امیرمؤمنان علیه السلام زندگی کرده و دختر خوانده امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.<sup>۷</sup>

۱. رک: تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۶۱؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۵۲؛ تاریخ البیهقی، ج ۷، ص ۴۳۶؛ المصنف، ج ۷، ص ۳۰.

۲. رک: الحدائق الناظره، ج ۲۵، ص ۵۲۸؛ المبسوط فی الفقه والتشریح، ج ۶، ص ۳۶.

۳. رک: البدایة والنهاية، ابن کثیر، ج ۷، ص ۱۵۳.

۴. رک: همان، ج ۸، ص ۱۴.

۵. رک: طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۶۳؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۱۱؛ جمهرة نسب قریش و اخبارها، ص ۷۸۲؛ المنمق فی اخبار قریش، ص ۸۹؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۴۸۲.

۶. رک: نسب قریش و اخبارها، ص ۷۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۴۶؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۳۱۲.

۷. رک: شرح احقاق الحق، ج ۲، ص ۳۷۶؛ تهذیب الاسماء، ج ۲، ص ۶۳۰.

عده‌ای معتقدند امیرمؤمنان علیه السلام، زنی از جن را که شبیه ام‌کلثوم بود به عقد عمر در آورد؛<sup>۱</sup> برخی معتقدند ام‌کلثوم فرزند امیرمؤمنان علیه السلام از ام‌ولد است؛<sup>۲</sup> شماری از عالمان مانند رضی‌الدین حلی،<sup>۳</sup> باقر شریف قرشی،<sup>۴</sup> صالحی شامی،<sup>۵</sup> شهاب‌الدین قلیوبی<sup>۶</sup> و شیخ محمد خضری<sup>۷</sup> نیز معتقدند امیرمؤمنان علیه السلام، فرزندى به نام ام‌کلثوم از حضرت زهرا علیها السلام نداشته بلکه فقط حضرت زینب علیها السلام را داشته که کنیه او ام‌کلثوم بوده و بعضی مانند ابن‌قدامه، ازدواج خلیفه دوم با ام‌کلثوم را به جهت هم‌کفو نبودن دینی و نَسبی منکر شده‌اند.<sup>۸</sup> مخالفان این ازدواج دلایل متعددی بیان کرده‌اند که در چند دسته قابل جمع است:

### ۱.۱. اضطراب در گزارش‌ها

حدیثی مضطرب است که در متن یا سند آن دوگانگی اتفاق افتاده باشد؛ یعنی یک بار به گونه‌ای و بار دیگر به گونه‌ای متفاوت نقل شده باشد؛<sup>۹</sup> اگر راهی برای علاج اضطراب در یک روایت یافت نشود، یعنی وجه صحیحی برای جمع وجود ندارد و آن اضطراب باعث بی‌اعتمادی به حدیث و کنارگذاشتن آن می‌شود؛ عالمان دین، اضطراب را یکی از معیارهای نقد روایت دانسته‌اند، آیت‌الله خوئی دلیل سلب اعتماد روایات جمع قرآن را اضطراب متنی آنها می‌داند.<sup>۱۰</sup>

یکی از دلایل مخالفان ازدواج عمر با ام‌کلثوم، وجود اضطراب در روایات نقل شده است؛ اختلاف‌ها و تناقض‌های فراوان در نحوه خواستگاری، مقدار مهریه، سن ام‌کلثوم موقع ازدواج و... باعث بی‌اعتمادی به این روایات و انکار اصل مسئله شده است؛ شیخ مفید می‌گوید:

اختلاف‌های فراوانی که در نقل ماجرا وجود دارد سبب پیدایش اضطراب در متن احادیث شده و باعث کنار نهادن این دسته از احادیث می‌شود.<sup>۱۱</sup>

برای نمونه، برخی از این تناقضات آورده می‌شود.

۱. ر.ک: الخراج و الجرایح، ج ۲، ص ۸۲۵-۸۲۷؛ المجدی فی انساب الطالبین، ص ۱۷.
۲. ر.ک: موالید الاثمه، ص ۱۵.
۳. ر.ک: العدد القویه لرفع المخاوف الیومیه، ص ۲۴۲.
۴. ر.ک: حیاة سیده‌النساء فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۲۱۹.
۵. ر.ک: سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ج ۱۱، ص ۲۸۸.
۶. ر.ک: حاشیة قلیوبی علی شرح جلال الدین المحلی علی منهاج الطالبین، ج ۳، ص ۲۳۶.
۷. ر.ک: نور الیقین فی سیرة سید المرسلین، ج ۱، ص ۱۱۱.
۸. ر.ک: الکافی فی فقه الإمام المبجل أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۱.
۹. ر.ک: مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۳۸۶.
۱۰. برای مشاهده تفصیل این بحث ر.ک: روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۶۶۳ تا ۶۷۵.
۱۱. ر.ک: المسائل السرویه، ص ۹۰.

- برخی اقوال، خواستگاری را با تهدید عمر همراه دانسته و برخی عقد را از روی اختیار و میل دانسته‌اند.<sup>۱</sup>
  - برخی روایات: عاقد را خود امیرمؤمنان علیه السلام و برخی عباس بن ابی طالب دانسته‌اند.<sup>۲</sup>
  - بنابراین نقل، عُمر به او چهل هزار درهم و به نقل دیگر چهل هزار دینار مهریه داد؛ یک نقل، مهریه را چهار هزار درهم دانسته و در نقلی دیگر، پانصد درهم گزارش شده است؛ برخی منابع مقدار مهریه را ده هزار دینار بیان کرده‌اند.<sup>۳</sup>
  - برخی فرزندی برای ام‌کلثوم ذکر نکرده‌اند، برخی فقط برای او یک فرزند به نام زید، برخی رقیه را نیز اضافه کرده و بعضی سه فرزند به نام‌های زید، رقیه و فاطمه نقل کرده‌اند.<sup>۴</sup>
  - برخی نقل‌ها وی را دختری کوچک و غیر بالغ دانسته و بعضی سن وی را ده سال یا بیشتر دانسته‌اند.<sup>۵</sup>
  - برخی از منابع از ازدواج او با عون بن جعفر بن ابی طالب خبر داده‌اند و پس از آن با محمد بن جعفر و هنگامی که محمد بن جعفر از دنیا رفت؛ گفته‌اند که با برادرش عبد الله بن جعفر پس از رحلت حضرت زینب علیها السلام ازدواج کرد.<sup>۶</sup>
  - تعدادی از روایات مرگ وی را در زمان حکومت عبدالملک بن مروان دانسته، برخی وفات او را در زمان امارت سعید بن عاص می‌دانند و عده‌ای مرگ ام‌کلثوم را پس از واقعه کربلا دانسته‌اند؛ در مورد چگونگی وفات هم گزارش‌ها متناقض است؛ برخی علت مرگ را بیماری، تعدادی آن را بر اثر اصابت سنگ، برخی آن را بر اثر اصابت تیر و بعضی هم
- 
۱. ر.ک: سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱۰۱۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۴، ص ۲۷۲؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵.
  ۲. ر.ک: سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۱۰۱۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۲۴، ص ۲۷۲؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵.
  ۳. ر.ک: تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۵؛ الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۸، ص ۲۹۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۰۷، ح ۱۸۸۷؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۲۱۰۶.
  ۴. ر.ک: سنن الكبرى، ج ۷، ص ۷۰؛ البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۹۳؛ الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نسب قریش، ج ۱۰، ص ۳۴۹؛ المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، ج ۲، ص ۵۶۴؛ ر.ک: الكامل فی تاریخ، ج ۲، ص ۴۵۰.
  ۵. ر.ک: المصنف صنعانی، ج ۶، ص ۱۶۴؛ الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳؛ المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، ج ۴، ص ۲۳۷؛ أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۹۶؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۴.
  ۶. ر.ک: الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۳؛ أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۷۸؛ الإصابة فی تمییز الصحابة، ج ۴، ص ۷۴۴.

بر اثر خوردن سم بیان کرده‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین، اختلاف و تناقض‌های فراوان در مسئله باعث خدشه در پذیرش این دسته روایات می‌گردد.

### ۲.۱. نبودن کفویت بین عمر و ام‌کلثوم

از شرایط مهم ازدواج هم‌کفو بودن زوجین است؛ با بررسی شرایط کفویت، هم‌کفو نبودن عمر با ام‌کلثوم اثبات می‌شود؛ موارد زیر شرایط کفویت است:

#### • کفویت در پابندی به احکام شرعی

از سفیان ثوری نقل شده: به بدعت‌گذار، فاسق، ستمگر، شراب‌خوار و رباخوار دختر ندهید؛ اگر کسی چنین کند، دین خویش را نابود کرده و رحم خویش را قطع کرده و سرپرستی دختر خویش را به خوبی انجام نداده است؛ زیرا او نیکی به این دختر را ترک کرده است! اینان همتای دختر آزاد مسلمان عقیف نیستند.<sup>۲</sup>

عالمان بزرگ اهل سنت با صراحت نقل کرده‌اند: عمر، خود نیز می‌دانست که دیگران، او را ظالم، فاجر،<sup>۳</sup> و خائن<sup>۴</sup> می‌دانند.

#### • کفویت در اخلاق

اخلاق تند و خشونت ذاتی خلیفه دوم را عالمان بزرگ اهل سنت با صراحت نقل کرده‌اند؛ طبق گزارش‌های تاریخی عمر از زنان دیگری هم خواستگاری کرده که برخی از آنها با جواب منفی همراه بوده است؛ مطابق نقل بلاذری و طبری هنگامی که یزید بن ابوسفیان مرد، عمر از همسرش ام‌ابان خواستگاری کرد؛ وی نپذیرفت و علت آن را چنین بیان کرد: عمر بن خطاب عبوس وارد منزل می‌شود و عبوس خارج می‌گردد؛ در خانه را می‌بندد (و اجازه بیرون رفتن به همسرش نمی‌دهد) و خیرش (رسیدگی به همسرش) اندک است.<sup>۵</sup> در نمونه‌ای دیگر عمر از ام‌کلثوم دختر ابوبکر خواستگاری کرد؛ وی به عایشه، خواهرش پاسخ داد: «تو می‌خواهی من به ازدواج کسی درآیم که تندخویی و سخت‌گیری او را در زندگی می‌دانی»<sup>۶</sup> ابن‌عبدالبر پس از نقل این قضیه می‌گوید: «می‌بینیم که حتی دختر کم‌سن و سالی همانند ام‌کلثوم دختر ابوبکر، با آنکه عمر، هم خلیفه مسلمین است و هم با پدرش ابوبکر بسیار دوست و

۱. ر.ک: المصنف صنعانی، ج ۶، ص ۱۶۴؛ الوافی بالوفیات، ج ۱۵، ص ۲۴؛ المعارف، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۹۵۶؛ أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۷، ص ۴۲۵.

۲. ر.ک: قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۴، المبسوط، ج ۴، ص ۱۹۶.

۳. ر.ک: المصنف، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۲۸۴۰۱؛ العقد الفرید، ج ۶، ص ۳۸۲.

۴. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۷۸، ح ۱۷۵۷.

۵. ر.ک: أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۶۰؛ تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۶۴.

همراه بود، حاضر به ازدواج با وی نمی‌شود».<sup>۱</sup>

یکی از ویژگی‌های اخلاقی خلیفه دوم که موجب دوری زنان از ازدواج با وی می‌شد، این بود که او زنانش را کتک می‌زد؛ ابن ماجه می‌نویسد: از اشعث بن قیس نقل شده که گفت: شبی مهمان عمر بودم؛ نیمه‌های شب دیدم همسرش را کتک می‌زند؛ برخاستم و او را از کتک زدن همسرش بازداشتm.<sup>۲</sup>

#### • کفویت در سن

ام‌کلثوم کودکی خردسال بود؛<sup>۳</sup> ولی خلیفه دوم حداقل پنجاه و هفت سال داشت؛<sup>۴</sup> در برخی منابع تاریخی نیز نقل شده است که در پی درخواست عمر، امام علی علیه السلام فرمود: «إِذَا صَبِيَّةٌ أَوْ كَوْدَةٌ اسْتَأْذَنَتْ»؛<sup>۵</sup> آیا باین حال راضی به این ازدواج شد؟ هرچند فاصله سنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با برخی از همسرانش نیز زیاد بود، ولی آنها با افتخار به همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در می‌آمدند و گاه پیشنهاد ازدواج از طرف خود آنان مطرح می‌شد و با ازدواج مورد بحث، که علی علیه السلام با آن موافق نبود و عمر با اصرار از ام‌کلثوم خواستگاری کرد، تفاوت دارد.

نکته قابل ذکر این است که عمر بن خطاب خودش با ازدواج پیرمردان با دختران جوان مخالف بود.

ابن عساکر می‌نویسد: زن جوانی را که با پیرمردی ازدواج کرده بود و سپس شوهرش را کشته بود، نزد عمر آوردند؛ عمر گفت: ای مردم از خدا بترسید، هر مردی باید با زنی همسان خود ازدواج کند و هر زنی نیز باید با مردی ازدواج کند که همسان او هست.<sup>۶</sup> باتوجه به ملاک‌های شرعی و عرفی ازدواج مانند حسن خلق و تناسب سنی دو طرف، در صورت رجوع به سیره عقلا امکان وقوع ازدواج در شرایط عادی ضعیف به نظر می‌رسد؛ با بررسی شخصیت دینی، اخلاقی و نسبی خلیفه دوم و مقایسه آن با شخصیت ام‌کلثوم، این نتیجه حاصل می‌شود که عمر و ام‌کلثوم از هیچ نظر با یکدیگر هم‌شان نبوده‌اند.

#### ۳.۱. اختلافات ریشه‌ای بین امیرمؤمنان و عمر

معتبرترین منابع عامه، افزون بر منابع اولیه شیعه، حکایت‌گر آن است که بین

۱. ر.ک: الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۰۷.

۲. ر.ک: سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۹؛ مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۲۰.

۳. ر.ک: الاستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۹ و ۵۱۰؛ سنن سعید بن منصور، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۸۰۹.

۴. ر.ک: الاستیعاب، ج ۴، ص ۵۰۹.

۵. طبقات الکبری، ج ۸، ص ۳۳۹.

۶. ر.ک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۷۶۹.

امیرمؤمنان علیه السلام و عمر هیچ پیوند قلبی برقرار نبوده و برای اثبات این گفتار به دو روایت از منابع عامه بسنده می‌شود:

۱. عبدالرزاق صنعانی با سند صحیح از عمر نقل می‌کند: عمر خطاب به عباس و امیرمؤمنان علیه السلام گفت: من بعد از ابوبکر دو سال حکومت کردم و روش رسول و ابوبکر را ادامه دادم؛ اما شما دو نفر مرا ستمگر و فاجر می‌دانستید.<sup>۱</sup>

۲. مسلم نیشابوری نیز به نقل از عمر بن خطاب می‌نویسد: عمر، خطاب به امام علی علیه السلام و عمویش عباس گفت: پس از مرگ ابوبکر، من جانشین پیامبر و ابوبکر شدم، شما دو نفر مرا خائن، دروغگو، حيله‌گر و گناه‌کار خواندید.<sup>۲</sup>

این اعتقاد واقعی امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به خلیفه دوم بود؛ زیرا امیرمؤمنان علیه السلام گفتار عمر را انکار نکرد، همچنین تعدادی از اصحاب بزرگ که حضور داشتند، مانند: عثمان بن عفان، عبدالرحمن بن عوف، زبیر بن عوام، سعد بن ابی وقاص قضیه را انکار نکردند؛ به ویژه اگر گفتگو آنان اواخر خلافت عمر بن خطاب انجام گرفته باشد که دلالت می‌کند حضرت تا آن زمان بر این عقیده پایبند بوده است و باین اعتقاد چگونه ممکن است امیرمؤمنان علیه السلام با رضایت قلبی و اختیار، با ازدواج دخترش با کسی که اعتقاد دارد او دروغگو، گناه‌کار، حيله‌گر و خائن است، موافقت کند.

از این نقل‌ها روشن می‌شود که امیرمؤمنان علیه السلام با عمر پیوند قلبی نداشت و طبیعی است که امام علی علیه السلام کاری که مخالف شریعت باشد، انجام نمی‌دهد؛ در نتیجه اصل وقوع ازدواج قبول نیست، مگر اینکه مجبور شده باشند؛ چنان‌که در برخی نقل‌ها بطور صریح ذکر شده است.

مخالفان ازدواج عمر با ام‌کلثوم، اخبار و گزارش‌های نقل شده را ساختگی دانسته و رد می‌کنند؛ اضطراب در احادیث و هم‌کفو نبودن عمر با ام‌کلثوم به دلیل نداشتن تناسب سنی، اخلاقی و اعتقادی از دلایلی است که مخالفان ازدواج ارائه می‌کنند.

## نتیجه

عالمان شیعه و اهل سنت در وجود ام‌کلثوم در زمره فرزندان امام علی علیه السلام تردید ندارند؛ اما در مسئله ازدواج وی با عمر بن خطاب اختلاف است؛ برخی، وقوع تناقض و اختلاف در روایات ازدواج را دلیلی واضح بر بطلان مدعای اهل سنت درباره این ازدواج می‌دانند؛ اما کسانی که پذیرفته‌اند، می‌گویند: ازدواج با اجبار و تهدید عمر بن خطاب بود؛ در این صورت

۱. ر.ک: المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۵، ص ۴۶۹.

۲. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۷۸.

ازدواج هیچ فضیلتی محسوب نمی‌شود؛ برخی دیگر با پذیرش اصل ازدواج، عقیده دارند ام‌کلثوم همسر عمر، دختر امیرمؤمنان علیه السلام نبود، بلکه دختر ابوبکر بوده است. به نظر می‌رسد گزارش‌های این ازدواج در منابع اهل سنت، همگی از لحاظ سند، طبق مبنای عامه، دارای ضعف بوده و از لحاظ متنی وقوع تعارض و اضطراب در متن گزارش‌ها سبب بی‌اعتمادی به این گزارش می‌شود؛ اما در منابع شیعه سه احتمال بیان شده است: ام‌کلثوم اشاره شده، همان ام‌کلثوم دختر امیرمؤمنان علیه السلام فرزند حضرت زهرا علیها السلام بوده یا دختر ابوبکر و یا فرزند امیرمؤمنان علیه السلام از دیگر زنان باشد؛ بلکه هر سه احتمال وجود دارد؛ بر فرض، اگر وقوع این ازدواج با تمام تناقض‌ها و تعارض‌هایی که در گزارش‌ها وجود دارد، پذیرفته شود، هیچ دلالتی بر وجود صفا و صمیمیت بین امام علی علیه السلام و عمر بن خطاب نمی‌کند؛ بر فرض پذیرش این ازدواج، حداکثر ازدواج همرا با ترساندن، آن هم با دختری که نه تنها خودش بلکه پدرش هم به آن ازدواج نبوده ثابت می‌شود.

### پیشنادهای پژوهشی

۱. ارزیابی سندی گزارش‌های ازدواج عمر با ام‌کلثوم در منابع حدیثی و تاریخی
۲. مقایسه و نقد گزارش‌های تاریخی این ازدواج با منابع حدیثی
۳. امکان‌سنجی ازدواج خلیفه دوم با دختر امیرمؤمنان علیه السلام.



۱. ازدواج ام کلثوم با عمر، سید علی میلانی، قم: مرکز تحقیق اسلامی، چهارم، ۱۳۸۹ ش.
۲. الاستیصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن الحسن طوسی، تحقیق: سیدحسن الموسوی الخرسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
۳. الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ابو القاسم کوفی، تهران: مؤسسة الأعلمی، اول، ۱۳۷۳ ش.
۴. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر القرطبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، اول، ۱۴۱۲ ق.
۵. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر، عز الدین علی بن ابی الکریم (م ۶۳۰ق)، تهران: اسماعیلیان، بی تا.
۶. الإصابة فی تمييز الصحابة، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، اول، ۱۴۱۲ ق.
۷. اعلام الوری باعلام الهدی، الفضل بن الحسن الطبرسی، تحقیق: موسسة آل البيت عليه السلام لاحیاء التراث، قم: موسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۷ ق.
۸. انساب الاشراف، احمد بن یحیی البلاذری، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۹. الإیثار بمعرفة رواة الآثار العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل، تحقیق: سید حسن کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. البداية والنهاية، الحافظ ابوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، تحقیق: علی شیری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۱. تاج الموالید فی موالید الائمة ووفیاتهم، فضل بن حسن طبرسی، بیروت: دارالقاری، اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. تاریخ الرسل و الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالتراث، دوم، ۱۳۸۷ ق.
۱۳. تاریخ یعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح الیعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۴. تاریخ بغداد، أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۱۵. تاریخ مدینة دمشق، ابوالقاسم علی بن الحسن ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۱۶. تذکرة الحفاظ، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی، بیروت: دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۹ ق.
۱۷. تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: السید حسن الموسوی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ ش.
۱۸. تهذیب الأسماء واللغات، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف بن مری النووی، تحقیق: مکتب البحوث والدراسات، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۹۹۶ م.
۱۹. تهذیب التهذیب، بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، بیروت: دارالفکر، اول،

٢٠. جمهرة نسب قريش و اخبارها، زبير بن بكار، تحقيق: محمود شاكر، قاهره: بى نا، ١٣٨١ق.
٢١. حاشية قليوبى على شرح جلال الدين المحلى على منهاج الطالبين، القليوبى، شهاب الدين أحمد بن أحمد بن سلامة، تحقيق: مكتب البحوث والدراسات، لبنان: دار الفكر الأولى، ١٤١٩ق.
٢٢. الحدائق الناضرة، الشيخ يوسف البحرانى، تحقيق: محمد تقى ايروانى، قم: جماعة المدرسين، بى تا.
٢٣. حياة سيدة النساء فاطمة الزهراء عليها السلام، باقر شريف القرشى، بى جا: بى نا، بى تا.
٢٤. الخرائج والجراح، قطب الدين الراوندى، تحقيق: مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم: مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، ١٤٠٩ق.
٢٥. دعائم الاسلام، القاضي نعمان بن محمد بن المنصور المغربي، تحقيق: آصف بن على اصغر فيضى، بيروت: دار المعارف، ١٣٨٣ق.
٢٦. الرجال (لابن الغضائرى)، احمد بن حسين واسطى بغدادى، محقق و مصحح: محمد رضا حسيني، قم: بى نا، بى تا.
٢٧. رجال الطوسى، محمد بن الحسن طوسى، محقق و مصحح: جواد قيومى اصفهانى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه، ١٣٧٣ ش.
٢٨. رجال الكشى (إختيار معرفة الرجال)، محمد بن عمر كشى، محقق مصحح: حسن طوسى، محمد بن الحسن مصطفوى، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه، ١٤٠٩ ق.
٢٩. رجال النجاشى، احمد بن على نجاشى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفه، ١٣٦٥ ش.
٣٠. رسائل، السيدالمرضى، تحقيق: سيد احمد الحسينى، اعداد سيد مهدي الرجائى، قم: دار القرآن، ١٤٠٥ق.
٣١. روش نقد احاديث، على نصيرى، قم: وحى و خرد، اول، ١٣٩٠ ش.
٣٢. سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، محمد بن يوسف الصالحى الشامى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت: دار الكتب العلمية، اول، ١٤١٤ق.
٣٣. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزوينى، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار الفكر، بى تا.
٣٤. سنن أبى داود، سليمان بن الأشعث أبو داود السجستانى الأزدى، تحقيق: محمد محيى الدين عبد الحميد، دار الفكر. بى تا.
٣٥. سنن البيهقى الكبرى، أحمد بن الحسين بن على بن موسى أبو بكر البيهقى، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز، ١٤١٤ ق.
٣٦. سنن سعيد بن منصور، سعيد بن منصور الخراسانى، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، هند: الدار السلفية، اول، ١٤٠٣ق.
٣٧. سير اعلام النبلاء، شمس الدين ذهبى، تحقيق: شعيب الارنؤوط و ابراهيم الزبيق، بيروت: مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ق.

٣٨. سيرة ابن اسحاق (كتاب السير و المغازى) ، محمد بن اسحاق بن يسار، قم: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى، اول، ١٤١٠ ق.
٣٩. الشافى فى الامامه، الشريف السيد المرتضى، تحقيق: سيد بدالزهراء الخطيب، قم: اسماعيليان، دوم، ١٤١٠ ق.
٤٠. شرح إحقاق الحق وإزهاق الباطل، السيد شهاب الدين المرعشى النجفى، قم: منشورات مكتبة آية الله المرعشى النجفى، بى تا.
٤١. شرح نهج البلاغة، ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله، محقق و مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل، قم: مكتبة آية الله المرعشى النجفى، ١٤٠٤ ق.
٤٢. صحيح البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخارى الجعفى، تحقيق: مصطفى ديب، بيروت: دار ابن كثير اليمامة، سوم، ١٤٠٧ ق.
٤٣. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابورى، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٤٤. الضعفاء الكبير، أبو جعفر محمد بن عمر بن موسى العقيلي، تحقيق: عبد المعطى أمين قلجى، بى جا: دار المكتبة، بى تا.
٤٥. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبد الله البصرى الزهرى، بيروت: دار صادر، بى تا.
٤٦. العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، رضى الدين على بن يوسف المطهر (علامه حلى)، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم: مكتبة آية الله المرعشى، اول، ١٤٠٨ ق.
٤٧. العقد الفريد، احمد بن محمد بن عبد ربه الأندلسى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، سوم، ١٤٢٠ ق.
٤٨. عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بدر الدين محمود بن أحمد العينى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، بى تا.
٤٩. قوت القلوب فى معاملة المحبوب و وصف طريق المريد إلى مقام التوحيد، محمد بن على بن عطية الحارثى أبو طالب المكى، تحقيق: د. عاصم إبراهيم الكيالى، بيروت: دار الكتب العلمية، دوم، ١٤٢٦ ق.
٥٠. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تصحيح و تحقيق: على اكبر غفارى، طهران: دارالكتب الاسلامية، سوم، ١٣٦٧ ش.
٥١. الكافى فى فقه الإمام المبجل أحمد بن حنبل، عبد الله بن أحمد بن قدامة أبو محمد المقدسى، بيروت: المكتب الاسلامى، بى تا.
٥٢. الكامل فى التاريخ، عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد الجزرى، تحقيق: عبد الله القاضى، بيروت: دار الكتب العلمية، دوم، ١٤١٥ ق.
٥٣. الكامل فى ضعفاء الرجال، عبد الله بن عدى بن عبد الله بن محمد أبو أحمد الجرجانى، تحقيق: يحيى مختار غزاوى بيروت: دار الفكر، سوم، ١٤٠٩ ق.
٥٤. المبسوط فى الفقه و التشريع، شمس الدين محمد بن احمد السرخسى، تحقيق: جمع من الافاضل، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ ق.

۵۵. المجدى فى انساب الطالبين، على بن محمد العلوى العمرى النسابة، تحقيق: احمد مهدوى دامغانى، قم: مكتبة المرعشى، اول، ۱۴۰۹.
۵۶. المجموع، أبو زكريا محبى الدين النووى، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، التكملة الثانية.
۵۷. مسالك الافهام، زين الدين بن على (شهيد ثانى)، قم: مؤسسة النشر المعارف الاسلامية، ۱۴۱۶ق.
۵۸. المسائل السروية، محمد بن نعمان الشيخ المفيد، تحقيق: صائب عبد الحميد، بيروت: دار المفيد، دوم، ۱۴۱۴ق.
۵۹. المسائل العكبيرة، محمد بن نعمان الشيخ المفيد، بيروت: دار المفيد، دوم، ۱۴۱۴ق.
۶۰. المستدرک على الصحيحين، محمد بن محمد الحاکم النيسابورى، تحقيق: يوسف المرعشلى، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.
۶۱. المصنف، أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعانى، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمى، بيروت: المكتب الإسلامى، سوم، ۱۴۰۳ق.
۶۲. المعارف، ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتيبه، تحقيق: ثروت عكاشه، قم: منشورات الشريف الرضى، اول، ۱۴۱۵ق.
۶۳. المغنى فى فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيبانى، عبد الله بن أحمد بن قدامة أبو محمد المقدسى، بيروت: دار الفكر، اول، ۱۴۰۵ق.
۶۴. مقباس الهدايه، عبدالله مامقانى، بيروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۲۳ق.
۶۵. المنتظم فى تاريخ الملوك والأمم (تاريخ طبرى)، أبو الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد ابن الجوزى، بيروت: دار الكتب، اول، ۱۳۵۸ق.
۶۶. المنمق فى اخبار قريش، محمد بن حبيب البغدادى، تحقيق: خورشيد احمد فاروق، بى جا، بى تا.
۶۷. نسب قريش و اخبارها، ابو عبد الله المصعب الزبيرى، تحقيق: ليفى بروفنسال، قاهره: دارالمعارف، بى تا. نور اليقين فى سيرة سيد المرسلين، الشيخ محمد الخضرى، تحقيق: أحمد محمود خطاب، مصر: مكتبة الإيمان - المنصورة، اول، ۱۴۱۹ق.
۶۸. الوافى بالوفيات، صلاح الدين خليل بن أيبك الصفدى، تحقيق: أحمد الأرناؤوط و تركى مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث، ۱۴۲۰ق.